

پرده شیشه‌ای

درباره سریال «بوم‌بانو»

تاریخ بر تارک عشق

رضا صانمی

● در دو دهه گذشته شاهد انواع سریال‌های تاریخی معاصر به‌ویژه در نسبت با دوره پهلوی اول بودیم که هرکدام یک سویه از رخداد‌های سیاسی و اجتماعی آن دوره را دستمایه قصه و روایت خود قرار داده‌اند. کلاه پهلوی و کیف انگلیسی و شب دهم نمونه‌هایی از این سریال‌ها هستند که در این میان سریال «بوم و بانو» به کارگردانی سعید سلطانی با آخری بیشتر پهلوی می‌زند. در واقع در شمالی کلی و نگاه اول که با قصه و موقعیت کلی آن مواجه می‌شویم، به یاد شب دهم حسن فتحی می‌افتیم. هم در حیث عنصر تاریخی قصه که در ارتباط با ممنوعیت تعزیه و عزاداری در دوره پهلوی اول است و هم قصه عاشقانه‌ای که در بستر این تاریخ روایت شده و با فرازونشیب‌های آن پیوند می‌خورد. چپ‌سا بنوان ساختار دراماتیک بوم و بانو را در یک وضعیت بینامتنی رمانتیک و ایدئولوژیک صورت‌بندی کرد. ایدئولوژیک به‌معنای خواستگ قتمنان سیاسی غالب به‌ویژه در نسبت با تجدد و چالش‌هایش.

«بوم و بانو» برخلاف «شب دهم» که در قسمت‌های آخر با خون و کشتار پیوند خورده در همان آغاز در فضای ملتهب شروع می‌شود و به نظر می‌رسد کارگردان خواسته از همان ابتدا با تعلیق و التهایی‌که ایجاد می‌کند، مخاطب را با خود همراه کند. داستان با ماجرای علاقه «مرجان» و «روزبه» به یکدیگر و مخالفت شدید پدر «مرجان» با ازدواج آنها آغاز شد. کشته‌شدن «روزبه» به‌طور اتفاقی و بی‌تقصیرنبودن تیمسار «افشار» پدر دختر در این اتفاق، شروع پررمزوراز و فوآتی برای یک قصه است که البته در قسمت‌های بعد با این ریتن و ضرب‌آهنگ پیش نرفته و کمی کند و کرخت می‌شود.
بالبین‌حال از قسمت‌های شش به بعد که کارگردان شخصیت‌های اصلی و فرعی قصه خود را معرفی کرده و داستان در کانون معمایی خود قرار

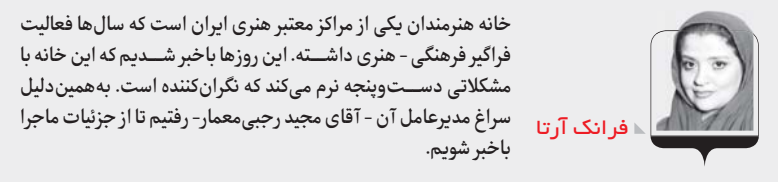


می‌گیرد، تعلیق‌های درونی داستان برجسته‌تر شده و از این خاستگاه مخاطب را با خود همراه می‌کند. این همراهی با حس رمزگشایی معمایی‌تر پیش می‌رود. اما قصه اصلی بوم و بانو که بسترهای دراماتیک یک موقعیت رمانتیک را فراهم می‌کند، مربوط به «ماهور» دختر دیگر تیمسار و آشنایی او با یک نقاش ماهر (مهدی احمدی) است. همین‌جا باید به انتخاب هوشمندانه مهدی احمدی برای نقش استاد حافی و تئاترگذاری حضورش در این سریال گفت. جای او در سریال‌های تلویزیونی خالی بود و جنس بازی و تیپولوژی فردی‌اش برای فضای سریالی‌ای جنس بوم و بانو به‌شدت دانست. درون‌گرایی و میل او به تنهایی و گریز از هیاهوی اجتماعی یادآور نقش استاد در فیلم شب‌های روشن است. دیبا زاهدی هم در نقش دختر تیمسار افشار هم به درک درستی از شخصیت ماهور به‌عنوان زن متجددی که از فرگ برگشته رسیده که به‌نوعی دادگرای لایلا حاتم‌ی در کیف انگلیسی‌اش است. مسعود رایگان هم مثل همیشه قدرتمند ظاهر شده و مهربانی پدرا نه را در کنار جدیت و زیرکی یک نظامی به‌خوبی به تصویر کشیده است. در اینجا با شمالی تازه‌ای از بهنام تشکر روبرو به هستیم در چهره و گرم و هم باورپذیر بازی کرده است.

«بوم و بانو» به‌مثابه سریال نه فقط از حیث مفهومی هم‌نشینی دلنشینی دارند که به‌نوعی در یک خوانش نمادین به بازنماییِ درونمایه قصه دست می‌زنند. شاید مسئله و دغدغه اصلی سریال را باید در تجربه تجدد و فرازونشیب‌های تاریخی آن با قصه‌ای عاشقانه‌نوا دانست. در این خوانش از کشف حجاب و ممنوعیت عزاداری تا برخی از مناقشات اندیشه‌ای بر سر تجدد و چگونگی مواجهه با آن در دل قصه قابل‌رویت و ردیابی است و می‌توان حتی ردپای برخی نزاع‌های داخلی و تأثیرات جنگ جهانی دوم بر ایران آن زمان را نیز در تاروپود قصه ردیابی کرد. اما در ارتباط با دو مفهوم بوم و بانو می‌توان تأثیرات تجدد بر هنر آن زمان و البته مواجهه و کنش‌مندی‌های سیاسی و اجتماعی درباره هنر و کارکردهای اجتماعی آن را که در نسبت با تجدد و اندیشه‌های مدرن مطرح شده هم شاهد بود. مثلاً در سرال درباره نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای و کارکردهای ایدئولوژیک آن و نسبتش با هنر مدرن و متجدد می‌توان روایت‌هایی را شنید که کمتر در مجموعه‌های تاریخ معاصر به آن پرداخته شده است. به نظر می‌رسد سریال بر مبنای یک درام بسط‌دهنده بنا شده که رمزگشایی‌ها و احتمالا غافلگیری‌های مؤثرش در قسمت‌های جلوتر رخ می‌دهد. حضور داستانک‌ها، حجم رخداد‌های تاریخی و پرداخت جزئی‌نگرانه درام نشان می‌دهد بوم و بانو را باید با حوصله و تأمل دید و با تعلیق‌های درونی و جزئی‌نگرش همسو شد. قصه به‌تدریج اما عمیق مخاطب را با خود همراه می‌کند.

گفت‌وگو با مجید رجبی معمار، مدیرعامل خانه هنرمندان ایران

مهم‌ترین مشکل ما مالی است



● اخیرا خبری رسانه‌ای شده که «خانه هنرمندان» رو به موت است. چرا باید مسکن فرهنگی‌ای که سال‌ها فعال بوده به این سرنوشت دچار شود؟
شاید نتیجه چهار ماه تعطیلی اول سال به دلیل کرونا باشد اما به مفهوم موتش نخواهد بود! چون اینجا اصالت دارد. بزرگانی از اهل فرهنگ و هنر ایران همت کرده و هدفمند نهالی را کاشته‌اند. پس خانه هنرمندان تصادفی رشد نکرده.

چطور؟

خانه هنرمندان به تعبیری از بطن جامعه هنری برآمده. البته دولت وقت هم در دهه ۷۰ کمک کرده، وزیر وقت ارشاد و معاون هنری آن زمان که آقای مهندس کاظمی بودند، برای راه‌اندازی آن خیلی کمک کردند. حتما می‌دانید برای راه‌اندازی هر بنیاد به مکان و محل مناسب نیازمند است. در زمان شهرداری آقای کرباسچی تصمیم بر این شد برخی از پادگان‌ها از تهران بیرون بروند و جایشان را به محیط‌های شهری و فرهنگی هنری بدهند. کمالاینکه «کشتارگاه تهران» که محلی کثیف و نامناسب برای بافت جنوب تهران بود در کمتر از یک سال به یکی از بزرگ‌ترین پارک‌ها و فرهنگ‌سراهای تهران تبدیل شد. آن زمان «پادگان ایرانشهر» به بخش لجستیک و مهندسی ارتش تعلق داشت. شهرداری آن را معاوضه و بخش بزرگی از آن پادگان را گرفت و به پارک هنرمندان تبدیل کرد. ساختمانی قدیمی را که اولایل دهه ۲۰ ساخته شده بود تجدید بنا کردند و بزرگان اهل هنر مثل مرتضی ممیز، غلامحسین امیرخانی، ایرج راد، یدالله صمدی، غلامحسین نامی، عزت‌الله انتظامی، محمدرضا عبدالملکیان، ایرج کلانتری، کامیوز روشن‌روان و بهروز غریب‌پور همت کرده و هسته اولیه خانه هنرمندان را پایه‌گذاری کردند و اساسا ۳۰، ۳۰ صفحه‌ای مفصلی با همه جزئیاتی که در کارهای علمی و هنری داشتند، نوشتند. مسئولان ارشاد وقت هم کمک کردند. چون اینجا یک مجموعه غیردولتی است و باید ثبت رسمی می‌شد، تحت عنوان «کانون فرهنگی هنری خانه هنرمندان ایران»، اساسنامه‌ای مفصل نوشتند که خانه هنرمندان ایران یک مرکز فرهنگی هنری مستقل، غیردولتی، غیرسیاسی و غیرانتفاعی است.

● طبق اساسنامه منابع مالی چگونه است؟
از اول قرار نبود اینجا یک بنگاه اقتصادی و درآمدزا باشد بلکه قرار بود اعضای اصلی خانه که انجمن‌های هنری کشور هستند، حق عضویت بدهند که به دلیل مشکلات فراوان خودشان هیچ‌گاه این موضوع عملی نشد اما در یک توافق بین شهرداری و وزارت ارشاد قرار شد شهرداری این ساختمان و امکانات را در اختیار خانه قرار داده و وزارت ارشاد هم مجوزهای لازم را بدهد و از همان موقع متعهد می‌شوند به خانه هنرمندان ایران کمک کند.

این رویه ادامه داشته. آقای غریب‌پور از جانب شهردار وقت مسئولیت نوسازی ساختمان خانه و گردآوری بزرگان را داشته. تلاش زیادی در جمع‌کردن ایده‌های مجموعه و مدیریتش به خرج داده است و به‌عنوان اولین مدیرعامل بعد از تصویب اساسنامه به مدت هفت سال در این مسئولیت تلاش کرد. در خانه هنرمندان اولیه به تغییر من زیربنا و خشت‌اول را سنگین گذاشتند اما از سادگی بیشتری نسبت به امروز برخوردار بود.

چطور؟

مثلا آن زمان تقریبا تمام فعالیت‌های نمایشگاهی فقط در گالری استاد ممیز که نامش در آن زمان نگارخانه خانه هنرمندان بود انجام می‌شد. ولی بعد از آن در زمان شهرداری آقای قالیباف و مدیریت آقای جوزانی چهار گالری جدید به این مجموعه اضافه شد؛ یعنی ظرفیت نمایشگاهی که برابر شده با سالن نمایش استاد عزت‌الله انتظامی اواخر دهه ۸۰ راه‌اندازی می‌شود که یکی از سالن‌های خوب و خوشنام تئاتر کشور است. در سال‌های اولیه فضاهای موجود خانه بیشتر در اختیار نمایندگان خانه تئاتر و انجمن‌های تجسمی بود؛ درحالی‌که بعدا تمام این فضاها به گالری تبدیل شد. سالن بزرگی که تبدیل به سالن استاد ناصری شد، سال‌هاست روزانه در آن چهار، پنج سانس فیلم‌های مهم هنری نمایش داده می‌شود و الان پایگاه اصلی گروه «هنر و تجربه» است و همه‌ساله چند خرداد مهم سینمایی داخلی و بین‌المللی نیز در این سالن برگزار می‌شود. تفاوت خانه هنرمندان ایران با دیگر مجموعه‌های فرهنگی و هنری در این است که خانه هنرمندان متجهم همه هنرهاست. یعنی هم‌زمان سالن سینما، سالن تئاتر و هشت گالری داریم که در چند سال اخیر هرساله بین ۸۵ تا ۱۰۰ نمایشگاه در این گالری‌ها برگزار شده است، شاید به اندازه نصف ظرفیت دیگر گالری‌های تهران و بسیاری از این نمایشگاه‌ها نیز در قندوقواره ملی است. برای مثال سه نمایشگاه سالانه انجمن هنرمندان نقاش ایران، نمایشگاه‌های سالانه انجمن‌های هنرمندان مجسمه‌سازان، تصویرگران، عکاسان، سفال و سرامیک و... تعدادی دیگر از بی‌نال‌های ملی هنری اینجا برگزار می‌شود.

● با این نگاه مشکل کی آغاز شد؟

مشکلی که پیش آمده این است که در این سال‌ها خصوصا از سال ۹۱ به بعد به‌تدریج توجه به خانه از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مجموعه دولت کمتر

هنر



هنری دارد. به همین دلیل ما هم از ایشان انتظارات زیادی داریم و در جلساتی که داشتمین قول‌هایی هم داده‌اند و روال تقریبا ثابتی که از قبل بوده را ادامه دادند. در سال ۹۸ هم مبالغی مصوب کرده بودند که قرار است سال ۹۹ کمک کنند و دیر یا زود همه را پرداخت خواهند کرد. درک می‌کنم که شرایط شهرداری هم بسیار سخت است، بدهی دارند، منابع درآمدی‌شان به‌شدت کاهش پیدا کرده، ساخت‌وساز به‌شدت کم شده است. امسال وارد شرایط بحرانی شده‌ایم. کرونا خیلی جاها را به تعطیلی کشانده. گمانم این است مجموعه مشاغل فرهنگی هنری و مراکز و پایگاه‌های فرهنگی و هنری جزء جاهایی هستند که بیشترین ضرر را از کرونا متحمل شده‌اند. الان تئاتر کشور تقریبا تعطیل است. در خانه تئاتر حداقل ۱۲ تا ۱۸ کانون تخصصی وجود دارد و بازیگران یکی از این کانون‌ها هستند و همگی در شرایط بحران مالی قرار دارند. علاوه بر بازیگران، طراح صحنه و دکور، نویسنده، تهیه‌کننده، عکاس و عوامل دیگر هم در تئاتر هستند که با مشکلات جدی و بیشترین ضرر را از کرونا متحمل شده‌اند. در مجموعه این ۱۳، ۱۲ انجمن تخصصی و خانه‌های هنری کشور چندده‌هزار نفر عضو هستند. فقط انجمن خوشنویسان ایران بالغ بر ۱۲، ۱۳ هزار عضو دارد. انجمن عکاسان چندهزار عضو، خانه سینما بیش از هفت‌هزار و خانه موسیقی بیش از ۱۰هزار عضو دارند. الان شاید بیشترین بی‌کاری در بین این افراد است. الان سالن‌های تئاتر، موسیقی، سینما و گالری‌ها غالبا تعطیل است و با فروش اندک از پس هزینه انشعابات برق و آب و... هم برنمی‌آیند. از سوی دیگر هم که دولت محترم بدون اعلام قبلی همه انشعابات را گران کرده، فیش تلفن و آب و برق خودتان را با شش‌ماه قبل مقایسه کنید. بنابراین فشار جدی بر دوش همه مردم و همچنین بر هنرمندان و انجمن‌ها و از جمله خانه هنرمندان ایران است. درآمدهایی که از محل اجاره، فروش آثار و فعالیت‌های فرهنگی داشتیم، از بین رفته است. شهرداری هم با مشکلات جدی خود مواجه است. مشکلات کرونا هم مزید بر وضعیت بسیار نامطلوب اقتصادی ناشی از تحریرها و انبوه معضلات داخلی شده و در ماه‌های گذشته نتوانسته بود کمکی کند.

وزارت ارشاد چطور؟

وزارت ارشاد هم از سالال ۹۱ کمک ثابت به خانه هنرمندان را کلا متغیی کرد که دلپیش را هم نمی‌دانیم. قبل از من آقای سرسنگی بودند و ایشان هم تلاش کردند، اما اب رفته به جوی بازنگشتند. سال ۹۷ با سختی و مشقت نتوانستم کمکی ۲۰۰ میلیون تومانی از آقای دکتر صالحی بگیریم. سال ۹۸ بعد از یک سال پیگیری، اواخر سال ۵۰ میلیون تومان از ارشاد کمک گرفتم. کم به شوخی گفتیم که به اندازه اسناد اختلافات ایران و عثمانی به ما کاغذ دادند تا پر کنیم برای تسویه‌حساب آن. درحالی‌که چندی پیش فهرست حمایت‌ها از گروه‌های تئاتری بیرون آمد. به خیلی از گروه‌های تئاتری از ۵ تا صد میلیون کمک کرده‌اند که کلا هم اقدام خوبی است، ولی به خانه هنرمندان ایران که محل اتصال و فعالیت جمعی کل انجمن‌ها و خانه‌های هنری کشور و پارلمان غیردولتی هنر است، کلا سال گذشته ۵۰ میلیون تومان کمک کردند که هزینه تعمیر و نگهداری چند دستگاه اینجا هم نمی‌شود!

● وضعیت اقتصادی ملک به خاطر تحریم‌ها به هم ریخته، خود ارشاد خیلی جاها دچار کم‌اعتباری است؛ توقع شما از ارشاد چیست؟
از ارشاد انتظار داشتیم که بر عهد قدیم خودش بماند. **● دقیقا چه عهدی؟**
در این چند سال با ارشاد جلسات متعددی داشتیم. معتقدم اگر آقای جنتی می‌ماندند، این مشکل را حل می‌کردند. با افسران آقای صالحی امیری و رفیق یکباره ایشان بعد از چند ماه و آمدن آقای دکتر صالحی، وضعیت تغییر کرد. با آقای صالحی‌امیری فرصتی پیدا نکردیم که صحبت کنیم. اما با دکتر صالحی در جلسه شورای عالی خانه صنعت کردیم، حتی نامه‌ای برای آقای روحانی در سال ۹۷ نوشتیم و ایشان هم ارجاع دادند تا رسیدگی شود. چند جلسه با رئیس و اعضای کمیسیون فرهنگی مجلس داشتیم و در شورای عالی خانه هم شرکت کردند و قول‌های زیادی دادند. معاون سازمان برنامه‌بودوجه در جمع شورای عالی حاضر شد و قرار بود اقدام جدی برای وضع بودجه کمکی برای خانه هنرمندان و انجمن‌ها صورت بگیرد که هیچ خبری از آنها نیست و لاجرم وزارت ارشاد باید پیگیری و پیشنهاددهنده این موضوع در بودجه سالانه کشور باشد.

● آیا مشکلات خانه هنرمندان فقط مالی است؟

درحال‌حاضر اصلی‌ترین مشکل خانه هنرمندان فقط مشکل مالی است؛ والا خانه هنرمندان بهترین و برجسته‌ترین هنرمندان کشور را در شورای عالی و گروه شعارهای هنر و هنرمند را «بر صدر بنشانند» و اقتضات هنری و بایدها و نبایدهای فرهنگ آشنا هستند؟

● بالاخره نتیجه پیگیری‌های امسال چه شد؟

فعلا از جانب دولت‌مدان نتیجه‌ای نداشته! سؤال ما این است که چطور می‌شود با وجود همه تلاش‌ها و صحبت‌هایی که با وزیر محترم ارشاد شده، مکاتباتی که با رئیس‌جمهور شده و دستوراتی که داده‌اند، تذکراتی که به آقای نوبخت داده شده، سهم خانه هنرمندان از بودجه کمک به فعالیت‌های دولتی فرهنگ و هنر که بیش از هزار میلیارد تومان در سال است، حتی یک ریال هم نباشد! سهم انجمن‌های تجسمی هم صفر است. بالبین‌همه تلاش‌ها در بیست‌وچند سال گذشته خانه موسیقی، خانه تئاتر و خانه سینما نتوانسته‌اند مبلغ اندکی در حد یک میلیارد تومان در سال ردیف بودجه کمکی بگیرند که نمی‌دانم چقدر آن محقق شده؛ اما سهم خانه هنرمندان صفر است. وقتی فلان بنیاد و بهمان مؤسسه فرهنگی سالانه چند میلیارد تومان کمک دریافت می‌کند و در طول سال اغلب عملکرد برجسته و مؤثری از ایشان ملاحظه نمی‌شود و حتما کارهای بزرگی می‌کنند که اصحاب فرهنگ خبر ندارند؛ اما کار خانه هنرمندان که معلوم است دست‌کم سالی ۸۰ تا صد نمایشگاه اصلی کشور در اینجا برگزار می‌شود. ببینید چندمین واقعی تروادهای بودجه‌ای چندده‌میلیاردی دارند، عملکردشان چیست؟

● شاید یکی از دلایل بی‌توجهی به خانه هنرمندان این است که برخی فکر می‌کنند خانه فقط به یک نوع تفکر خاص توجه دارد؟
در خانه هنرمندان تلاش شده فضا دولتی نباشد و امکان حضور و بروز ظرفیت‌ها و توانمندی‌های واقعی هنری برای هنرمندان واقعی فراهم شود. برخی دوستان که خودشان را در جبهه اصولگرایی طبقه‌بندی می‌کنند، می‌گویند اینجا فضای روشنفکری و افراد خاص است؛ اما اصلا این‌طور نیست. خانه هنرمندان ایران یک مجموعه کاملا غیرسیاسی است. اینجا چند سال است که به مناسبت ایام ازربعین که رخدادی ملی و جهانی شده است، همه‌ساله همس کار داریم که حتما باید ویژگی اصلی آن وجه هنری‌اش باشد. همین‌طور مراسم تعزیه و تئاترهای دفاع مقدس هم داریم و بسیاری از اقدامات دیگر که متناسب با نیازهای دینی و ملی است. کسی که نگاهش منفی و تلخ باشد، آن کارها را هم به کم بکنید، می‌گویند بله، دو تا کار مذهبی هم می‌کنند، گزارش فعالیت‌های مذهبی و ارزشی خانه از زمان آقای غریب‌پور و مدیران بعدی هم وجود دارد. دفاع مقدس، مقاومت ملت ایران در برابر تجاوز بسیار ناجوانمردانه و خشن بود. آیا می‌شود درباره این قضیه بی‌تفاوت بود؟ ضمن اینکه اصولا میانه هنرمندان با بحث جنگ خوب نیست. هنرمند همیشه طرفدار صلح است؛ اما قضیه دفاع مقدس بحث مظلومیت ملتی است که جنگی همه‌جانبه به آنها تحمیل شده و یک عده نازنین جلوی دشمن ایستاده‌اند که یک وجب از خاک این سرزمین جدا نشود. آیا در هفته دفاع مقدس یاد مقاومت و پایداری مردم خرمشهر، سوسنگرد و کرمانشاه را نباید داشته باشیم؟ ما هم داریم؛ اما به شکل کاملا هنرمندانه، بزرگداشت شهدا؛ اما اگر سمت خودشان با هزار اشاریه بدو ورود به خانه، نمایشگاهی بزرگ و برنامه‌هایی ویژه و هنری با حضور و سخنرانی استادان طراز اول هنرهای تجسمی و موسیقی کشور برای بزرگداشت ۸۲۰ شهید تجسمی کشور برگزار شد که بارها مورد تقدیر قرار گرفت و البته تمام اینها برحسب وظیفه و باورمان بوده و نه خواسته‌ای من و آن!!

● منظورتان این است که برخی افسراد فرهنگ را قطعی‌سازی می‌کنند؟

درباره بعضی از برنامه‌ها و هنرمندانی که در خانه اجرا شده و حضور پیدا می‌کنند، اغلب اظهارنظر کرده و تمهت‌های غالبا ناروایی می‌زنند که اینها چنین و چنان هستند؛ اما اگر سمت خودشان با هزار اشاره غش کنند، حلوالحوایش می‌کنند. خانه هنرمندان ایران وظیفه خودش را در مقابل مناسبت‌ها و موضوعات دینی و فرهنگی و تاریخی می‌شناسد و ایفا می‌کند و تلاش می‌کند اصالت و تشخص فرهنگی و هنری خودش را حفظ کند. شاخص اصلی خانه هنرمندان ایران وجه هنری اقدامات و آثار و غلبه فرهنگ ملی است. خانه به دور از شباهه‌های سیاسی سعی کرده به موضوعات مذهبی و ارزشی هم در حد خودش بپردازد؛ اما به دوستان عزیز به‌شدت انقلابی هم بارها عرض کرده‌ام خانه هنرمندان ایران با جاهایی نظیر حوزه هنری، مؤسسه اوج، روایت فتح و... تفاوت دارد. دارد. آیا بودجه‌های دولتی و نهادهای دولتی و تعریف و جهت‌گیری‌شان هم تنها در غالب مباحث دینی، انقلابی و دفاع مقدس است؛ ولی خانه هنرمندان ایران اساس کارش انواع و اقسام هنر است، با وجوه مختلف آن. **● امسال با چه بودجه‌ای این مشکل می‌تواند حل شود؟**
شهرداری از ابتدای امسال نگفته کمک نمی‌کند، خودشان هم مشکل دارند. خواهش‌مان این بود که ما را هم در نظر بگیرید. خوشبختانه با پیگیری‌هایی که داشتیم و با آقای حاجی هم که چند روز قبل برای مراسم استاد ممیز به خانه آمده بودند، مجددا گفت‌وگو کردم و آقای دکتر قش‌شاس هم جدا پیگیری کردند و به‌تازگی ۵۰۰ میلیون تومان پرداخت کردند.

● در سال چقدر بودجه لازم دارید؟

در سال‌های اخیر خیلی از طرح‌ها و برنامه‌هایی را که داشتیم، به دلیل نبود بودجه عملا کنار گذاشته‌ایم. دوماهانمه شیوه که یکی از مجلات تخصصی و فوق‌تخصصی هنری است، الان شش ماه یک بار چاپ می‌شود. بسیاری از فعالیت‌ها فعلا به صورت لایوهای هنری عرضه می‌شود. گمان من این است که با تمام افزایش هزینه‌ها، اگر سالانه توانیم از منابع درآمدی خودمان و منابع دیگر ۱۰ میلیارد تومان بودجه داشته باشیم، یک سال خانه هنرمندان با شکوفایی فوق‌العاده با همین رفتارآمد انبوه هنرمندان و هنردوستان اداره خواهد شد.